

نشریه ادبیات تطبیقی (علمی - پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه شهید باهنر کرمان
دوره جدید، سال اول، شماره ۲، بهار ۱۳۸۹

مقایسه اشعار وصفی ابن معتر عباسی و منوچهری دامغانی*

دکتر جعفر دلشاد
استادیار دانشگاه اصفهان
الهام قهرمان نژاد
کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی

چکیده

خوشبختانه در سال های اخیر توجهی خاص به ادبیات تطبیقی در جهان به ویژه در ایران شده است. این امر به خودی خود باعث می گردد تا اندیشه های دو شاعر یا دو نویسنده، و یا احیاناً سبک نگارش و شعر آنان مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد. لذا در مقاله مورد نظر، دو شاعر توانا «ابن المعتر» از جهان عرب و «منوچهری دامغانی» از ایران مورد توجه قرار گرفته و اشعار وصفی آنان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ابتدا به زندگی نامه دو شاعر پرداخته می شود و چنانچه وجوه تشابهی در آن دیده شود، ارائه می گردد؛ سپس، به اشعار وصفی این دو شاعر پرداخته و نکات لازم و قابل توجهی که از مقایسه اشعار آنان به دست می آید، ارائه خواهد گردید.

واژگان کلیدی

ابن معتر عباسی، منوچهری دامغانی، شعر وصفی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۹/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۲/۱۲
نشانی پست الکترونیک نویسنده: jafardelshad@yahoo.com

۱- مقدمه

سپاس و ستایش خداوندی را که آفریدگار زیبایی هاست و همه موجودات در پی این زیبایی و جمال ذات احدی، او را می پرستند و می ستایند. وصف جهان و زیبایی ها آن یکی از موضوعات مورد توجه شاعران در همه زمان ها بوده و خواهد بود. اما در دوره های مختلف شعر فارسی و عربی، در نگرش به این موضوع شدت و ضعف متفاوتی داشته است و وصف های شاعران دوره های مختلف، متفاوت بوده است.

با توجه به این امر، بر آن شدیم که در اشعار و شخصیت دو شاعر که هر دو شعرهای وصفی بسیاری داشته اند و سرآمد شعر وصفی در زمان و حتی در میان شاعران هم زبان خود شده اند، بررسی و تحقیق کنیم. این دو شخصیت کسانی نبودند مگر «ابن معتز عباسی» و «منوچهری دامغانی».

ابن معتز که در محیط درباری و مرفه عباسی می زیست و جز در مقاطع زمانی کوتاهی، همواره شاد و خوشحال بوده و منوچهری که او نیز در دربار امیران زیاری و آل بویه و به ویژه مسعود غزنوی، شاعر درباری بوده، همواره در رفاه زندگی می کرده.

پس بر آن شدیم که اشعار وصفی این دو شاعر را مورد مقایسه و تحلیل قرار دهیم و نقاط اشتراک و آن ها را در مورد اشعار وصفی بیان کنیم.

امیدواریم توانسته باشیم، کاری در زمینه ادبیات تطبیقی در حوزه ادبیات عربی و ادبیات فارسی، انجام داده باشیم و مقاله مورد توجه دوستداران ادبیات واقع شود.

۲- زندگی ابن معتز

ابوالعباس عبدالله فرزند المعتز خلیفه عباسی فرزند متوکل در سامرا در ۲۲ شعبان سال ۲۴۷ هجری قمری از مادری رومی نژاد به دنیا آمد. ولادت او چهل روز قبل از کشته شدن جدش، متوکل عباسی، روی داد. به همین جهت، امیران ترک که متوکل را کشته بودند، پسر متوکل به نام المنتصر را به مسند خلافت نشانند و بعد از چند روز، او را نیز کشتند و المعتز بالله پدر عبدالله را که بیست سال بیشتر نداشت، به خلافت رسانند. عبدالله در آن زمان پنج سال بیشتر نداشت (ضیف، ۱۴۲۶، ه.ق، ج ۳، ص ۳۲۴).

او در نزد پدر بسیار عزیز بود؛ چنان که المعتز دستور داد دینارهایی به نام وی ضرب کنند و بختری در مدیحه ای که به همین مناسبت سرود، به معتز پیشنهاد کرد که او را ولیعهد خویش گرداند (صولی، ۱۹۸۵، م، ص ۱۰۵).

زندگی او در دربار خلفای عباسی چون المعتضد و المعتمد و المکتفی بوده است و همواره با خوشی و خوشگذرانی همراه بوده و همواره خلفا، او را با فراهم آوردن وسایل خوشگذرانی، راضی نگه داشته بودند. تا اینکه بعد از مرگ المکتفی پسرش را که سیزده سال بیشتر نداشت، به خلافت رساندند که البته با مخالفت گروهی از درباریان و امیران همراه شد.

بنابراین، سعی در خلع او و به قدرت رساندن ابن معتز داشتند. ابن معتز نیز پذیرفت، اما غلامان ترک مانع قدرت گرفتن او شدند و همه یاران او را کشتند و ابن معتز با دیدن این وضعیت، به خانه ابن جصاص که جواهر فروش بود، پناهنده شد، ولی یاران مقتدر او را دستگیر کرده و کشتند و او را در خرابه ای در کنار خانه اش به خاک سپردند. این حادثه روز دوم ربیع الاخر سال ۲۹۶ هجری رخ داد. (البصیر، ۱۹۷۰، م، ص ۲۹۸) و نام عبدالله پسر المعتز به عنوان «خليفة ی یک روزه» در فهرست نوادر روزگار ثبت شد (قلقشندی، ۱۹۸۷، م، ج ۱، ص ۴۲۲).

۳- شعر ابن معتز

او در اکثر فنون شعر عربی همانند دیگر شاعران عصر عباسی طبع آزمایی کرده است. او بیشتر خلفای عصر خود یعنی المعتضد، المکتفی و الموفق را مدح کرده است. این مدح ها بیشتر به عناصر تشکیل دهنده روحیه و شخصیت او که به قوم عرب و خاندان عباسی خود افتخار می کرد و همین طور وضعیت خود او در این دوره مناسب بوده است (ضیف، ۱۴۲۶هـ.ق، ج ۳، ص ۳۳۳).

شعر او همانند هم عصرانش بسیار تحت تاثیر شاعران دوره های قبل بوده است، به ویژه در موضوع مدح که بسیار شبیه شاعران دوره جاهلی بوده و از روش آن شاعران استفاده می کرد.

دومین موضوعی که بیش از سایر موضوعات در دیوان او به چشم می خورد، موضوع «فخر» می باشد. بیشترین فخر او مربوط به این است که او از تبار عباسی است و همچنین، شجاعت و جوانمردی قبیله خود یعنی عباسیان را مورد فخر قرار داده است (همان مرجع، ص ۳۴).

در باب هجا نیز قطعات کوتاهی دارد که علت سرودن آن ها بیشتر مشکلاتی است که در طول زندگی برایش پیش آمده بود. در دیوانش قطعات کوتاهی هم

به صورت غزل دیده می شود، ولی این غزلیات از عشق و علاقه شدید او نشأت نمی گیرد (همان، ص ۳۴۱).

در سرودن خمریات نیز چیره دست بود؛ گروهی از محققان خمریات او را در حد و اندازه خمریات ابونواس می دانند. همین طور، در توصیف شکار و شکارگاه ها نیز اشعاری دارد. در باب زهدیات و معاتبات نیز اشعاری سروده است که قسمت اندکی از دیوان او را در برمی گیرد.

توصیفات او مقصود اصلی این پژوهش است. ابن معتر در وصف هایش و به طور کلی، در اشعارش از صنایع بدیع به ویژه صنعت تشبیه که در آن استادی کامل بوده، استفاده نموده و به همین خاطر، در این زمینه شهرت یافته است.

این همه پرداختن به تشبیه در توصیفات او با محیط زندگی اشرافی او بی ارتباط نبوده، توصیفات او مرحله نوینی را در ادبیات عربی به وجود آورده، به عبارتی، شیوه تشبیه را تغییر داده و به آن رنگ های متنوع و مختلف داده است.

تشبیه یک هنر و یک فن است، اما ابن معتر کسی است که توانسته از آن مواضعی را استخراج کند که قابل شمارش نیستند (ضیف، ۲۰۰۴ م، ص ۲۶۸).

۴- زندگی منوچهری دامغانی

ابوالنجم احمد فرزند قوص فرزند احمد منوچهری دامغانی در نیمه اول قرن پنجم هجری در دامغان متولد شد. درباره تاریخ دقیق ولادتش اطلاعاتی در دست نیست، ولی به احتمال زیاد تاریخ ولادتش یا در اواخر قرن چهارم هجری یا اوایل قرن پنجم هجری است (صفا، ۱۳۳۲ ه.ش، ج ۱، ص ۴۹۱).

کودکی او در دامغان سپری شده است و به تمام علوم و فنون زمان خود آگاهی یافته و کودکی خود را صرف حفظ اشعار شاعران عربی، علوم دینی و طب و موسیقی کرده است. او را شاید جوانترین شاعر ایران بتوان نامید؛ زیرا خیلی زود وفات کرد، در چهل یا کمتر از چهل سالگی. تاریخ وفات او سال ۴۳۲ هجری است (دبیر سیاقی، ۱۳۸۴، ص ۲۳).

۵- زندگی سیاسی و ادبی منوچهری

در دوران جوانی در منطقه گیلان و مازنداران اقامت نموده، در آنجا ابتدا در دربار آل قابوس بوده، و تخلص خود یعنی «منوچهری» را از نام فلک المعالی منوچهر بن قابوس گرفته است. سپس، مدتی در ری بوده، و بعد از آن سراغ غزنویان رفته و بیشتر دوران شاعریش را نزد مسعود غزنوی گذرانده است (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۳ ه.ش، ج ۱، ص ۱۸۶).

بنابراین، چنین می‌نماید که بیشتر عمر کوتاه منوچهری در دربار مسعود غزنوی سپری شده است و در دستگاه او جایگاه ویژه‌ای داشته است. او در دربار غزنویان زندگی شاد و آرامی داشته و مشغول شاعری بوده. علاوه بر شاعری، در موسیقی هم دستی داشته است.

منوچهری بیشتر اشعارش را در قالب قصیده سروده است، و به دیگر قالب‌ها چندان توجهی نداشته که این عدم توجه به قالب‌های شعری، فقط مخصوص او نیست، بلکه یکی از ویژگی‌های شعر قرن چهارم و پنجم هجری است که به سبک خراسانی، نامیده می‌شود.

سبک شعری او به سبک شاعران عرب زبان نزدیک است؛ یعنی در ابتدای قصیده یا به وصف طبیعت پرداخته، و یا به ذکر اطلال و گریه بر ویرانه‌های بر جای مانده از محبوب، سپس به مدح ممدوح خود می‌پردازد.

البته، او مسمط‌هایی نیز دارد که برای اولین بار خود او آن‌ها را ایجاد کرده است. در مسمط‌های خود بیشتر به وصف طبیعت، انگور و چگونگی تولید شراب پرداخته است.

اما ویژگی‌های شعرهای او عبارتند از:

۱- شعر او شعری پر نشاط و شاد است و دارای روحیه تساهل و خوشباشی است.

۲- قومیت‌گرایی و تمایل به شعر عربی از خصوصیات بارز اشعار او است.

۳- اشعار او روان و ساده است. قدرت این شاعر در وصف به حدی است که می‌توان از این جهت در بین شاعران قصیده‌گوی عهد غزنوی او را ممتاز دانست.

۴- در حوزه‌ی تصویرهای حسی و مادی طبیعت، بزرگترین شاعر در طول تاریخ ادب فارسی به شمار می‌آید (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳، ص ۵۰۱).

او با طبیعت انس مخصوص دارد. در دیوان هیچ شاعری این همه گل لطیف و پرندۀ نغمه‌سرا، دیده نمی‌شود. در وصف طبیعت منوچهری برخلاف شاعران دیگر که به جزییات نمی‌پردازند، او تمام نکات و جزئیات را وصف می‌کند. روش شاعر دامغانی در چکامه‌سرایی تجزیه و تحلیل است (دبیر سیاقی، ۱۳۸۴ هـ.ش، ص ۲۴).

۶- تأثیر ادبیات عرب در شعر منوچهری دامغانی

منوچهری دامغانی به شدت تحت تأثیر شاعران و ادبیات عربی بوده است. شاعرانی چون امرؤ القیس و عمرو بن کلثوم، از جمله کسانی هستند که او در اشعار خود به سبک آن‌ها بسیار توجه دارد. تأثیر او از ادبیات عرب تا حدی است

که اموری مانند عبور از بیابان ها و وصف شتر و ندبه بر اطلال و دمن و ذکر عرایس و اماکن شاعران عرب، از ویژگی های اصلی اشعار اوست (صفا، ۱۳۳۲ هـ ش، ج ۱، ص ۴۹۵).

هر کس قصد مطالعه دیوان او را داشته باشد، باید از علوم مختلفی همچون ادبیات و صرف و نحو و نجوم و موسیقی که بسیار در اشعارش از اصطلاحات و دستگاه های موسیقی استفاده کرده است، اطلاعاتی داشته باشد.

استعمال کلمات عربی زاید از حد حاجت که غالباً برای فارسی زبانان عصر شاعر و بعد از او مهجور بوده، از خصایص مهم شعری اوست. هر چند این به کار بردن عبارات عربی در شعرش، شعر او را کمی سخت و مهجور ساخته است. ولی از زیبایی های اشعار وصفی اش کم نکرده است، و گویی شاعر به دلیل جوانی قصد تفاخر و به رخ کشیدن میزان اطلاعات خود را در زمینه ادبیات عرب به دیگر شاعران درباری داشته است (همان مرجع، ۴۹۷).

۷- ابن معنز و منوچهری دامغانی

همانطور که قبلاً اشاره شد، ابن معنز شاعر خلیفه زاده عصر عباسی است. بنابراین، مسلم است که در محیطی پر از آسایش و راحتی و خوشی زندگی کرده و این محیط بر اشعار او تأثیر بسیار گذاشته است. منوچهری نیز شاعری است که در دربار غزنویان، عمر کوتاه خود را سپری کرده؛ بنابراین، او هم از این تأثیر محیط درباری بی نصیب نبوده است.

هر دو شاعر در مورد وصف ها و تشبیهات خود به شهرت رسیده اند و در زمینه شعر وصفی مهارت بسیار دارند.

اوصاف و تشبیهات آن ها بسیار متأثر از محیطی است که در آن زندگی کرده اند.

از میان فنون بدیع هر دو شاعر، بیش از همه به تشبیه علاقه بسیار نشان داده اند.

۸- اشعار وصفی ابن معنز

ابن معنز شاعری نیکو و امیرزاده ای مرقه بوده است. توجه و دقت نگاه او به محیط اطرافش به او کمک کرده تا اشعار وصفی خوبی بسراید و از وصف در تمام موضوعات شعری اش برای دل نشین تر کردن اشعارش استفاده کرده است. توصیفات او بیشتر از نوع وصف های مادی هستند و کمتر در اوصاف خود به

مسایل عمیق توجه دارد. او بیشتر موضوعات و مسایل زیبایی اطراف خود را توصیف کرده است (حسین، ۱۹۶۹، ص ۱۵۸).

روش ابن معتر با شاعران هم دوره خود در توصیف، متفاوت است. او در توصیفات خود بیش از همه به تشبیه علاقه مند است. تشبیهات ابن معتر، در شعر وصفی عربی دگرگونی ایجاد کرده، به طوری که قبل از او این همه از حجم تشبیه استفاده نشده است. وصف او در موضوعات گوناگونی است؛ مانند وصف شراب، وصف طبیعت و حیوانات. در تشبیهات و توصیفات ابن معتر اثر آسایش و محیطی که در آن زندگی کرده، دیده می شود. به همین جهت، در تشبیهات خود از اشیای گرانبه‌تری که او صور خیال خود را از آن‌ها وام گرفته است، استفاده بسیار کرده است، مثلاً در وصف هلال ماه چنین می گوید:

کمنجلٍ قد صیغ من فضةً یحصنُ من زهر الدجی نرجسا

(ابن معتر، ۲۰۰۴، ج ۲، ص ۲۷۲)

(هلال ماه همچون داسی از جنس نقره است که ستارگان را از روی تاریکی آسمان درو می کند).

او از کلماتی چون، فضة، زجاجة و یاقوت و کلمات اشرافی بسیار دیگر که نشان از محیط درباری و تأثیر آن بر اشعارش دارد، استفاده کرده است.

وصف های ابن معتر مرحله نوینی از وصف در شعر عربی را ایجاد کرده است؛ به عبارتی، او بنیان گذار مکتب نقاشی در شعر عربی است (ضیف، ۲۰۰۴، ص ۲۶۷).

او موضوعات بسیاری را وصف کرده است. باغ ها، گل ها، حیوانات، بیابان و شراب. خیال او در اشعارش زنده و پویاست و شاعر در سرتاسر زندگی مرفه و پر آسایش تحت تأثیر این محیط، مجالس علم و ادب، خوشگذرانی ها و باده نوشی ها بوده است.

او با کمک توصیفات بدیع و تشبیهات زیبا، اسلوبش را از دیگر هم عصران خود، آسانتر کرده است. او بدیع را به صورت معتدل به کار برده و از به کار بردن اصول بدیعی طباق و جناس و تناظر اضداد خودداری کرده است، و تنها آرایه ای از فن بدیع که به آن علاقه مند بوده، همان تشبیه است.

بعضی معتقدند به خاطر همین توجه بیش از حد او به تشبیه و علاقه نشان ندادن به دیگر فنون بدیعی، اشعارش ضعیف و سطحی هستند؛ اما با این حال، از لحاظ

وصف در درجه بالایی قرار دارد. همین عدم توجه او به فنون بدیع دشوارتر، سبب آسانی و سهولت کلام او شده است.

۹- اشعار وصفی منوچهری

سرتاسر دیوان سه هزار بیتی منوچهری وصف است. و کمتر به دیگر فنون شعری توجه دارد. قصایدش اکثراً با وصف طبیعت و زیبایی های آن شروع می شود و در پایان به مدح فرد مورد نظر می پردازد. اساس شعر منوچهری دامغانی تشبیه و مقایسه و تمثیل است (فروزانفر، ۱۳۶۹ ه.ش، ص ۱۳۵).

شعر منوچهری دامغانی، وصف طبیعت و زیبایی های آن است و علاوه بر این که وصف به ویژه آن هم وصف طبیعت از ویژگی های شعر این دوره است، به خاطر نگاه دقیق و هنرمندانه ی او به طبیعت نیز هست. وی نه تنها به انواع مظاهر طبیعت توجه دارد و از جلوه های آن به وجد می آید، بلکه طبیعت را در همه احوال آن احساس می کند (یوسفی، ۱۳۷۳ ه.ش، ص ۶۲).

سبک او در توصیفاتش، نگاه دقیق و مادی و آینه وار او به طبیعت، در میان شاعران فارسی آن دوره به نوعی ابتکار و نوآوری به شمار می آید. هر چند بعضی او را پیرو اسلوب شاعر قبل از خود، یعنی کسائی مروزی، می دانند، چرا که او نیز در وصف طبیعت به بیان تشبیهات زیبا، شهره بوده است.

او چون در دربار مسعود غزنوی، از شاعران مورد توجه و محبوب مسعود بوده، بنابراین، از زندگی آرام و مملو از رفاه و شادی بهره برده است. به همین جهت، این محیط پر عیش و نوش در اشعار و به ویژه توصیفاتش تأثیر گذاشته است. و باعث ایجاد شعر رفاه شده است. یعنی شعری که آثار محیط مرفه درباری در آن مشهود است. به عنوان مثال، در اشعار او می توان آثار زندگی مرفه را مشاهده کرد.

بامدادان بر هوا قوس قزح
بر مثال دامن شاهنشاهی

پنج دیبای ملون بر تنش
باز جسته دامن هر دیبھی

(منوچهری، ۱۳۸۴، ص ۱۴۹)

که در این ابیات برای توصیف رنگین کمان، آن را به دامن رنگارنگ لباس پادشاهان و یا دیبای پنج رنگ تشبیه کرده است. علاوه بر محیط شاعر که تأثیر بسیار در ابعاد چنین توصیفات داشته، به خاطر اینکه مخاطب شاعر امیران بوده اند، بنابراین، در اشعارش عناصر اشرافی و ویژگی های طبقه بالای جامعه حکمفرماست (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۲۸۹).

بیشتر تشبیهات منوچهری از نوع حسی به حسی است، یعنی تشبیهی که اجزای آن در بیرون از ذات شاعر و در دنیای ماده وجود دارد، زیرا او بیش از دیگر هم عصران خود، گرایش به طبیعت و اشیای مادی به عنوان موضوع اصلی شعر خود دارد. توجه او به نکات ریز و دقت در توصیف طبیعت، توصیفات او را در میان شاعران ایران زمین از لحاظ دقت برتر ساخته است. منوچهری مانند شاعران سبک رمانتیک اروپا، طبیعت را از لحاظ خود طبیعت توصیف می کند، به تعبیر دیگر، منوچهری با طبیعت محض و بیرونی سر و کار دارد، نه آن که مانند ناصر خسرو و خیام و مولوی و سعدی، وصف طبیعت را وسیله بیان معانی دیگر قرار دهد (www.Iran poetry.com).

استفاده از تشبیهات مادی، برای بیان توصیفاتش، یکی دیگر از ویژگی های شعرهای وصفی اوست، یعنی از اموری که در جهان خارج، وجود دارند و هیچ جنبه معنوی یا انتزاعی ندارند و یا حتی جنبه معنوی توجه به موسیقی و نواها و دستگاه های موسیقی در توصیفاتش، یکی دیگر از ویژگی های بارز اشعار اوست.

و این یعنی اینکه علاوه بر اینکه از چشم و امور بصری در توصیفاتش استفاده کرده، از حس شنوایی نیز برای توصیفات خود بهره برده است. برای وصف صدای پرندگان بسیار از دستگاه ها و آلات موسیقی استفاده کرده است. همچنین، استفاده از اسامی اشخاص و شاعران و امکان شعر عربی در توصیفاتش یک ویژگی بارز است. استفاده از قهرمانان داستان های عربی و همچنین، ایرانی و بسیاری از آداب و رسوم ایران باستان.

او شاعری طبیعت دوست و خوشگذران و طرفدار موسیقی و زیبایی است. در میان توصیفات او کمتر و یا اصلاً به مسایل غم انگیز و ناراحت کننده برخورد نمی کنیم. همین امر سبب شده اشعارش بیشتر نمودار زیبایی و شادی باشند و او این احساس خود را توسط اشعارش به خواننده انتقال می دهد.

۱۰- مقایسه اشعار وصفی منوچهری دامغانی و ابن معتز

وصفی زیباتر و قابل توجه تر است که از تشبیهات زیباتر برخوردار باشد. در این بخش نقاط اشتراک اشعار وصفی منوچهری دامغانی و ابن معتز مورد بررسی قرار می گیرد. ابن معتز شاعر و امیرزاده عباسی در زمینه وصف از میان شاعران هم عصر خود در جایگاه بالاتری قرار دارد، حتی در میان کل شاعران عرب زبان در جایگاه ویژه ای قرار گرفته است.

منوچهری دامغانی، شاعر دوره غزنویان از نظر زمانی بعد از دوره ابن معتر قرار دارد. به همین جهت، از اصول وصفی او پیروی کرده و در تشبیهاتش پیرو او بوده است. بنابراین، این دو شاعر نقاط اشتراک بسیاری در زمینه وصف و تشبیه دارند.

یعنی همانطور که ابن معتر در تشبیهات خود به تصویر به خاطر تصویر توجه دارد، وهدف او از تشبیهاتش بیان مفهومی انتزاعی نیست؛ او نیز همین را در تشبیهاتش به کار می برد، یعنی بیان تصویر به خاطر تصویر.

به عنوان مثال، منوچهری در یکی از قصایدش که همانند دیگر قصایدش با توصیف بیابان و مرکب و شب آغاز شده، چنین گفته :

نشستم بر آن ناقه آل پیـکر	فکندم بر او نطع و دلو و مصلی
سپردم بدو من قفاری که گفتی	نشسته ست دیوی به زیر هراصلی
فلک همچو پیروزه گون تخته نردی	ز مرجانش مهره ز لؤلؤش خصلی
عواید چو یک خوشه انگور زرین	و یا چون مرصع به یاقوت رطلی

(منوچهری، ۱۳۸۴، ص ۱۳۲)

که تصاویر بیان شده در این ابیات برگرفته از شعر ابن معتر است که در این ابیات آمده است:

زارتی و الدجی أحم الحواشی	والثریا فی الغرب كالعنقود
وهلال السماء كطوق عروس	بات منها علی غلائل سود

(ابن معتر، ۲۰۰۴، ج ۲، ص ۸۸)

۱- مرا ملاقات کرد در حالی که تاریکی بسیار بود و ثریا در آسمان گویی خوشه انگور بود.

۲- وهلال ماه همچون گردن بند عروسی بود که گویی بر گردن فرد سیاه پوستی آویزان است.

۱۱- وجوه تشابه اشعار دو شاعر

۱۱-۱- تأثیر پذیری از زندگی در محیط اشرافی

هر دو شاعر در محیط درباری زندگی کرده اند و از وسایل و شرایط زندگی آرام و پر آسایش برخوردار بوده اند. هر دو شاعر از علاقه مندان به علم و ادب بوده اند و از همان کودکی به آموختن علم و دانش و موسیقی پرداخته اند. بنابراین، محیط زندگی و محیط علمی و ادبی در اشعارشان تأثیر گذاشته است.

ابن معتز در شعری شغل خود را چنین بیان می کند:
 شغلی اذا ما كان للناس شغل دفتر فقه أو حدیث أو غزل
 (ابن معتز، ۲۰۰۴، ج ۲، ص ۱۳۰)

منوچهری نیز همانند او خود را دانشمند می شمارد:
 من بدانم علم طب و علم دین و علم نحو

تو ندانی دال و ذال و راء و زاء و سین و شین

(منوچهری، ۱۳۸۴، ص ۹۱)

پس هر دو شاعر در زمینه علمی در سطح بالایی قرار داشته اند. در ضمن چون هر دو آنان در محیط درباری زندگی کرده اند؛ بنابراین، اشعارشان بازتابی از محیط زندگی شان می باشد. مثلاً ابن معتز چنین می گوید:

و یاسمین فی ذری الأغصان منتظم کقطع العقیان

(ابن معتز، ۲۰۰۴، ج ۱، ص ۴۲۸)

(و گل یاسین بر روی شاخه ها، چون تکه های طلای خالص منظم است.)

استفاده از واژه «عقیان» به معنی طلای خالص نشان از اشرافی بودن شعر او دارد و یا در این بیت که به توصیف درخت انگور پرداخته است:

كأن عناقید الكروم و ظلها كواكب دُرّ فی سماء زبرجد

(ابن معتز، ۲۰۰۴، ج ۲، ص ۴۹۶)

(گویی خوشه های انگور و سایه آن ستارگانی از جنس مروارید هستند در آسمانی از جنس زبرجد.)

تشبیهات و توصیفات او برای بیان ویژگی های انگور، همه با استفاده از واژگانی اشرافی چون «در» و «زبرجد» است. این گونه کاربرد کلمات در اشعار منوچهری نیز وجود دارد:

وان برگ های بید تو گویی کسی به قصد پیکان های پهن زبرجد کنی همی

(منوچهری، ۱۳۸۴، ص ۱۳۶)

برای توصیف برگ های درخت بید آن ها را به پیکان هایی از جنس زبرجد تشبیه کرده است.

۲-۱۱- استفاده از تشبیهات مادی و محسوس

دومین مورد اشتراک میان اشعار دو شاعر که به چشم می خورد، استفاده از تشبیهات محسوس و مادی است. هر دو شاعر از به کار بردن کلمات مفهومی و یا فلسفی دوری کرده اند و توصیفات خود را با استفاده از کلماتی کاملاً واضح و

(گویی نور صبح، تاریکی را کنار می زند و آن را مجبور به رفتن می کند، و گویی این تاریکی در حال از بین رفتن همچون کلاغی است که دارای بالهای سیاه رنگی است که در انتهای این بال های سیاه رنگ، قسمت های سفید رنگ وجود دارد که نوید آمدن صبح را می دهد.)

شاعر در این بیت سیاهی شب را به کلاغی که دارای بال های سیاه رنگ است تشبیه می کند و آمدن صبح را به انتهای سفید رنگ بال های کلاغ تشبیه می کند. منوچهری نیز این روش را به کار برده است؛ به عنوان مثال، در این بیت او به توصیف گل نرگس پرداخته است.

چو حوراند نرگس ها، همه سیمین طبق بر سر

نهاده بر طبق ها بر زر ساو ساغرها

(منوچهری، ۱۳۸۴/ص ۳)

شاعر در این ابیات به توصیف گل نرگس پرداخته است و آن را به حورانی تشبیه کرده که سینی ای از جنس نقره بر سر دارند، و در درون آن سینی که از طلای خالص است، جامی هایی وجود دارد.

اصلی ترین نقطه اشتراک میان ابن معتز و منوچهری کاربرد فن تشبیه از میان فنون بدیع است و منوچهری در این روش، از ابن معتز پیروی کرده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳، ص ۵۱۸).

۴-۱۱- موضوعات وصفی مشترک

موضوعات وصفی مشترک بسیاری در میان توصیفات هر دو شاعر به چشم می خورد که این نیز از اشتراکات هر دو شاعر به شمار می آید. هر دو به توصیف بیابان و حیوانات بیابانی، فصل های بهار و پاییز و زمستان و باغ ها و گل ها و پرندگان، و همین طور، شب و ماه و ستارگان پرداخته اند. همچنین، وصف شراب نیز موضوع مشترک از نظر توصیفات میان دو شاعر است که به بیان نمونه هایی از آن ها می پردازم:

۴-۱۱-۱- ماه و ستارگان

در این تصویر ابن معتز هلال ماه را به نیمه یک دست بند تشبیه کرده است:

و كأنَّ الهلالَ نصفُ سوارٍ والثُّریا كَفُّ یُشیر الیه

(ابن معتز، ۲۰۰۴، ج ۲، ص ۴۸)

(و گویی هلال ماه نیمه یک دست بند است و ثریا همچون دستی است که به

آن اشاره می کند.)

در این بیت هم منوچهری دامغانی، همین گونه به توصیف هلال ماه پرداخته است:

چنان چون دو سر از هم باز کرده ز زر مغربی دستاورنجن

(منوچهری، ۱۳۸۴، ص ۸۷)

در این بیت ابن معنز، به توصیف شب پرداخته و آن را به لباسی سیاه رنگ تشبیه کرده است.

لَمَّا حَدا الصُّبْحُ أَدْعَجَ مِثْلَ القَباءِ الأَسودِ المُضْرَجِ

(ابن معنز، ۲۰۰۴، ج ۲، ص ۱۹)

(زمانی که صبح به طرف شب سیاه روی آورد، و این شب تیره همچون لباسی سیاه و به خون آغشته ای بود.)

منوچهری نیز همین گونه به توصیف شب پرداخته است، آن را به لباس سیاهی از جنس پشم تشبیه کرده است.

شبی گیسو فرو هشته به دامن پلاسین معجر و قیرینه گرزن

(منوچهری، ۱۳۸۴، ص ۸۶)

۲-۴-۱۱- گل ها و گیاهان

در این بیت، ابن معنز، گل نرگس را به چشمی تشبیه کرده است که هیچ پلک و مژه ای ندارد و سرتاسرش چشم است.

النرجس الغضُّ عیونه حدقٌ بلا هذبٍ ولا أشفار

(ابن معنز، ۲۰۰۴، ج ۲، ص ۱۰۶)

(گل نرگس تازه، گویی چشمی است که هیچ پلک و مژه ای ندارد.)

در این بیت هم منوچهری همین گونه بیان کرده است و آن را به چشم تشبیه کرده است.

نرگس چو دلبری است سرش همه چشم سروچو معشوقه ای است، تنش همه قد

(منوچهری، ۱۳۸۴، ص ۲۲)

و یا در این بیت که گل نرگس را به دینار و درهم تشبیه کرده است:

كَأَنما صُفرتها فی الدُّجی صفرة دینار علی درهم

(ابن معنز، ۲۰۰۴، ج ۲، ص ۱۳۶)

(و گویی زردی گل نرگس در تاریکی، زردی دینار بر روی درهم است.)

همین توصیف را منوچهری برای گل نرگس بیان کرده است:

نرگس تازه چو چاه ذقنی شد به مثل گر بود چاه ز دینار و ز نقره ذقنا
(منوچهری، ۱۳۸۴، ص ۱)

۳-۴-۱۱- توصیف ابر و باران و رعد و برق

در این بیت ابن معتز رعد و برق در آسمان را هنگام شب به خطوطی که با آب طلا، در آسمان نوشته می شوند، تشبیه کرده است.

كأن تألّفه في السماء سطو رُ كتبن بماء الذهب

(ابن معتز، ۲۰۰۴، ج ۲، ص ۷۲)

(گویی درخشش برق در آسمان خطوطی است که با آب طلا، نوشته شده اند.)
همین تصویر، یعنی تشبیه رعد و برق به خطوط طلایی، را منوچهری نیز برای توصیف رعد و برق بیان کرده است.

ابرچنان مطرد سیاه و بر او برق همچون مُذَهَّب یکی کتاب مطرد

(منوچهری، ۱۳۸۴، ص ۲۲)

و یا در این بیت، ابن معتز ابر را به کلاغی با بال های سیاه و تیره تشبیه می کند.

جاءت تهادی كالغراب الحائم مكظوظةً مُسَوِّدَةً القوادم

(ابن معتز، ۲۰۰۴، ج ۲، ص ۱۳۲)

(ابری که همچون کلاغی تشنه و با بال های سیاه و تیره است، آمد.)

منوچهری نیز برای توصیف ابر، از همین تصویر استفاده کرده است.

برآمد زاغ رنگ و ماغ پیکر یکی میغ از ستیغ کوه قارن

(منوچهری، ۱۳۸۴، ص ۸۶)

و یا در جایی ابن معتز، باران را به اشک های عاشق تشبیه می کند و چنین می گوید:

و مُزَنَّةٌ مَسْعَلَةُ البارِق تبکی علی الترب بکاء العاشق

(ابن معتز، ۲۰۰۴، ج ۲، ص ۱۲۰)

(ابر پر باران پر رعد و برقی که بر روی خاک، همچون عاشقی گریه می کند.)

منوچهری نیز برای بیان شدت بارش باران از ابر، آن را به عاشق تشبیه کرده است.

باغ معشوقه بُد و عاشق او بود سحاب

خفته معشوق و عاشق شده مهجور و مصاب

(منوچهری، ۱۳۸۴، ص ۱۹۰)

و یا در بیتی ابن معتز، شراب را به عقیق سرخ که بر روی آن دانه های مروارید وجود دارد، تشبیه کرده است .

فَأَتَتْ بِهَا كَأْسًا كَأَنَّ حَبَابَهَا جَرْدَاءُ دَرٌّ فِي الْعَقِيقِ مُدْحَرَجٍ

(ابن معتز، ۲۰۰۴، ج ۲، ص ۱۷۲)

(جام شرابی را آورد که گویی حباب های روی شراب مرواریدهایی هستند که بر روی عقیق در می غلطند.)

منوچهری هم همین تشبیه را برای شراب به کار برده است :

شبی دراز، می سرخ گرفته به چنگ

می ای بسان عقیق و گداخته چو زنگ

(منوچهری، ۱۳۸۴، ص ۶۴)

ابن معتز در بیتی ظرف شراب را به هنگام ریختن شراب به داخل جام به انسان در حال رکوع تشبیه کرده است .

و حَانَ رُكُوعٍ إِبْرِيْقٍ لِلْكَلاَسِ وَ نَادَى الدِّيَكِ حَيَّ عَلَى الصُّبُوحِ

(ابن معتز، ۲۰۰۴، ج ۲، ص ۱۷۹)

مشابه این تصویر را منوچهری نیز بیان کرده است :

به قدح بلبله را سر به سجود آور زود

که همی بلبل بر سرو کند بانگ نماز

(منوچهری، ۱۳۸۴، ص ۵۱)

۱۲- تفاوت های دو شاعر در اشعار وصفی

ابن معتز از نظر زمانی زودتر از منوچهری دامغانی بوده؛ به همین جهت، اگر تأثیر و تأثری وجود داشته است، عمده تأثیرات را منوچهری از ابن معتز پذیرفته است، زیرا از نظر زمانی منوچهری در دوره ای بوده که بیشترین تأثیرات از ادبیات عربی در این زمان صورت گرفته، شاعر در دوره ای بوده که اقتدا به شاعران عرب زبان نوعی تفاخر به شمار می آمده و منوچهری نیز با این کار قصد به رخ کشیدن هنر خود را در این زمینه داشته است .

۱۲-۱- تفاوت محیط زندگی

شاعر فارسی زبان مدتی از عمر کوتاه خود را در مازنداران و گیلان که منطقه خوش آب و هوایی بوده، گذرانده و مابقی را در «غزنه» که آنجا نیز منطقه سرسبزی به شمار می آید به سر می برد، بنابراین، بیشتر توصیفات او شامل

توصیف فصل ها، باغ ها و گل ها و گیاهان است و کمتر به دیگر موضوعات توجه داشته است، از جمله وصف محبوب یا معشوق.

اما ابن معتز، شاعر عباسی در محیطی زندگی کرده است که شاید به اندازه محیط زندگی منوچهری سرسبز و پر گل و گیاه نبوده؛ به همین جهت همانند منوچهری سرتاسر اوصاف گل و باغ و سبزه نیست، بلکه به موضوعات دیگری نیز توجه داشته است.

۲-۱۲- تفاوت از نظر آگاه بودن به علوم و فنون

ابن معتز هر چند اشعارش به اندازه شاعران هم دوره خود همچون ابوتمام و بحتری عمیق و فلسفی نیست، اما این مسأله چیزی از قدرت علمی و احاطه علمی او کم نمی کند. او بیشتر به علوم ساده تر و آسان و قابل فهم توجه داشته است، یعنی با اشعارش بیشتر قصد خلق کار هنری را داشته تا ایجاد و بیان مفاهیم فلسفی و عمیق. منوچهری نیز از جهت علم و دانش از شاعران درجه بالای فارسی است، و در تمام دیوانش این احاطه او بر علوم مختلف چون صرف و نحو و ادبیات و نجوم به چشم می خورد، هر چند این به کارگیری اصطلاحات علمی در اشعارش، قدری آن ها را با پیچیدگی همراه ساخته است، ولی از زیبایی های آن کم نکرده است.

۳-۱۲- تفاوت از نظر موضوعات

همانطور که اشاره شد، ابن معتز در اکثر اغراض شعری، اشعاری را داشته است، از جمله مدح و هجا و رثا و فخر و در تمام این موضوعات، تلاش کرده است از توصیفات و تشبیهات زیبا استفاده کند. اگر به حجم دیوان او و اغراض شعری او توجه کنیم، متوجه این مطلب می شویم.

اما منوچهری دامغانی در طی عمر کوتاه خود، فقط در مدح اشعاری را داشته و همچنین، در قالب مسمط که ابداع خود اوست و بیشتر در این قالب به توصیف طبیعت و وصف شراب پرداخته است. او در اشعار خود بیش از همه چیز به وصف طبیعت نظر دارد. بنابراین، توصیفات ابن معتز از گستردگی و تنوع بیشتری برخوردار می باشند. او کوچکترین مسایل را توصیف کرده است. اما منوچهری بیشتر به طبیعت توجه دارد، اما این مطلب از ارزش کار هنری او نمی کاهد.

۱۳- نتیجه

۱- ابن معتز و منوچهری دامغانی، هر دو از بزرگترین شاعران و صاف ادبیات

عربی و فارسی بوده اند.

- ۲- منوچهری، در توصیفات خود به توصیفات و روش کاری شاعران عرب زبان عصر عباسی به ویژه ابن معتز توجه دارد و از او پیروی کرده است.
- ۳- سبک شعری ابن معتز در وصف، شعرعربی را وارد مرحله نوینی کرد.
- ۴- اشعار منوچهری دامغانی از نظر دقت و توجه به طبیعت و وصف آن، در میان شاعران فارسی زبان بی نظیر است.
- ۵- به علت زندگی هر دو شاعر در محیط درباری و بهره مندی از آسایش و خوشی، توصیفاتشان شبیه به یکدیگر است.
- ۶- ابن معتز در استفاده از فن تشبیه در ادبیات عربی معروف گشته است.
- ۷- منوچهری دامغانی نیز، به استفاده از تشبیهات مشهور شده است.
- ۸- تشبیهات هر دو شاعر، بر گرفته از محیط درباری و اشیاء و وسایل درباری است.
- ۹- استفاده از تشبیهات مادی و محسوس ویژگی مشترک دیگر هر دو شاعر در زمینه وصف به شمار می آید.
- ۱۰- منوچهری دامغانی به شدت تحت تأثیر شاعران عرب زبان بوده است، به همین جهت، موضوعات وصفی وی نیز، گاه برگرفته از همین تصاویر شعر عربی است.
- ۱۱- موضوعات مشترک وصفی، در میان اشعار دو شاعر به چشم می خورد.
- ۱۲- هر دو شاعر علاوه بر نقاط اشتراک، دارای اختلاف هایی نیز می باشند.
- ۱۳- به علت تفاوت محیط زندگی دو شاعر از نظر آب و هوایی بیشتر توصیفات منوچهری برگرفته از طبیعت است.
- ۱۴- در اشعار منوچهری از علوم مختلفی که شاعر بر آن ها احاطه داشته، سخن به میان آمده، اما در اشعار ابن معتز سخنی از علوم، نیامده است.
- در پایان باید گفت از آنجا که ابن معتز از نظر زمانی بر منوچهری پیشی داشته، منوچهری در توصیفات خود از ابن معتز تأثیر پذیرفته است.
- شعر منوچهری، به علت همین آشنایی با ادبیات عربی قدری سنگین و سخت به نظر می رسد، اما باز هم از زیبایی خاصی برخوردار است.
- اما شعر ابن معتز، از روانی و سادگی بیشتری برخوردار است.

کتابنامه

کتابنامه فارسی

- ۱- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۸۳ ه.ش.)، از رودکی تا بهار، انتشارات نغمه زندگی، تهران.

- ۲- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۳ هـ.ش.)، **صورخیال در شعر فارسی**، انتشارات آگاه، تهران.
- ۳- صفاء ذبیح الله. (۱۳۳۲ هـ.ش.)، **تاریخ ادبیات ایران**، انتشارات سینا، تهران.
- ۴- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۶۹ هـ.ش.)، **سخن و سخنوران**، انتشارات خوارزمی، تهران.
- ۵- منوچهری، ابوالنجم. (۱۳۸۳ هـ.ش.)، **دیوان منوچهری**، محمود دبیر سیاقی، انتشارات زوار، تهران.
- ۶- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۳ هـ.ش.)، **چشمه ی روشن، دیداری با شاعران**، انتشارات علمی، تهران.

کتابنامه عربی

- ۱- ابن معتز، عبدالله. (۲۰۰۴ م.)، **دیوان ابن معتز**، مجید طراد، دارالکتب العربی، بیروت.
- ۲- البصیر، محمد مهدی. (۱۹۷۰ م.)، **فی الادب العربی**، مكتبة النعمان، النجف.
- ۳- حسین، طه. (۱۹۶۹ م.)، **من حدیث الشعر و النثر**، دار المعارف، القاهرة.
- ۴- صولی، محمد. (۱۹۸۵ م.)، **اخبار البحتری**، صالح اشتر، دمشق.
- ۵- ضیف، شوقی. (۱۴۲۶ هـ.ق.)، **تاریخ الادب العربی**، العصر العباسی الثانی، انتشارات ذوی القربی، قم.
- ۶- ضیف، شوقی. (۲۰۰۴ م.)، **الفن و مذاهبه فی الشعر العربی**، دارالمعارف، القاهرة.
- ۷- قلقشندی، احمد. (۱۹۸۷ م.)، **صبح الاعشی لصناعة الانشاء**، محمد حسین شمس الدین، بیروت.

منابع اینترنتی

۱- www.cgie.org.ir/shavad.asp?id=123&avaid=1778

۲- www.iran poetry.com/archives/000635.php